

Examining the category of Mahdism in the claim of similarity between Shia and Jews

Dr. Ali Jadid Bonab¹

Dr. Mohammadreza Ziaee²

Abstract

The analysis of the category of Mahdism in the analogy of Jews and Shiites is of particular importance from the perspective of historical analysts. The purpose of this research is to examine and analyze one of the alleged cases of similarity between Shiites and Shiites in the category of Mahdism. Explaining the category of Mahdism in the similarities of the Jewish and Shiite views, stating the reasons and refuting their claims, and the motives of Shiite opponents in destroying pure Shiite thoughts in order to instill suspicion of the similarity of Shiites and Jews in the context of Mahdism are the focus of discussion and examination in this research. It seems that Shiite opponents were trying to destroy Shiites and create a distance between Shiites and Sunnis and other heavenly religions in order to take an effective step towards the goal of the similarity of Shiites and Jews. This research has been carried out with the aim of identifying the motives and views of Shiite opponents towards the similarity of Shiites and Jews, and achieving this goal is possible in the light of describing and explaining their reasons and goals in the direction of the destruction of Shiites, by collecting library data and in a descriptive-analytical manner.

Keywords: Mahdism, Shi'ism, Jews, Impersonation, Ibn Taymiyyah

-
1. PhD in Islamic History, Tehran University of Islamic Religions, researcher at Al-Mustafa International Research Center (Corresponding Author) (alijadidbonab@yahoo.com)
 2. PhD in Islamic History, Al-Mustafa University, Researcher at Al-Mustafa International Research Institute (rezaziaee19@yahoo.com)

بررسی مقوله‌ی مهدویت در ادعای نسبت همسانی شیعه با یهود

علی جدید بناب^۱

محمد رضا ضیایی^۲

چکیده

واکاوی مقوله‌ی مهدویت در تشابه‌انگاری یهود و شیعه، از منظر تحلیل گران تاریخی، از اهمیت خاصی برخوردار است. مسئله‌ی این پژوهش بررسی و تحلیل یکی از موارد ادعایی مشابهت شیعه به یهود در مقوله‌ی مهدویت است. تبیین مقوله‌ی مهدویت در تشابهات پنداری یهود و شیعه، بیان دلایل و رد ادعای آنان، انگیزه‌های معاندین شیعه در تخریب افکار ناب تشیع به منظور القاء شبهه تشابه‌انگاری شیعه و یهود در زمینه‌ی مهدویت، محور بحث و بررسی در این پژوهش است. به نظر می‌رسد مخالفین شیعه سعی در تخریب شیعه و ایجاد فاصله بین شیعه و اهل سنت و سایر ادیان آسمانی داشتند تا بدین طریق در راستای هدف تشابه‌انگاری شیعه و یهود گامی مؤثر بردارند. این پژوهش با هدف شناخت انگیزه‌ها و دیدگاه‌های معاندین شیعه نسبت به تشابه‌انگاری شیعه و یهود انجام گرفته است و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تبیین دلایل و اهداف خویش در راستای تخریب شیعه، با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی میسر است. برونداد این سیر از پژوهش، ایجاد تردید در خاستگاه شیعه، تخریب شیعه و ایجاد تفرقه بین شیعه و اهل سنت در جهت تشابه‌انگاری یهود و تشیع در راستای ایجاد انحراف در مقوله‌ی مهدویت بوده است در حالی که خیلی از این مشابهت‌ها در اهل سنت و سایر ادیان آسمانی هم وجود دارد و اختصاص به شیعه ندارد.

واژگان کلیدی

مهدویت، شیعه، یهود، همسان‌پنداری.

۱. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (نویسنده مسئول)
(alijadidbonab@yahoo.com).

۲. دکتری تاریخ اسلام جامعه المصطفی العالمیه و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی
(rezaziaee19@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

واکاوی در خاستگاه شیعه و تشابه‌انگاری نسبت به شیعه و یهود در مقوله‌ی مهدویت از اهمیت و جایگاهی سترگ برخوردار است؛ چرا که اندیشه‌ی مهدویت در همه ادیان الهی و فرق اسلامی وجود دارد؛ از این رو، همسان‌پنداری شیعه و یهود در مقوله‌ی مهدویت شکل گرفته است. چنان که گفته شده است:

قالت اليهود لا یكون جهاد حتى یخرج المسیح المنتظر و قالت الرفضة لا جهاد حتى یخرج المهدي» (ابن عبد ربه، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۲۴۹-۲۵۰؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۵۹).

هم چنان که یهود جهاد را منوط به خروج مسیح منتظر کرده، شیعه نیز جهاد را مشروط به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نموده است. بنابراین شیعه و یهود در اندیشه‌ی مهدویت مشابهت دارد حتی شیعه را در مهدویت به تأثیرپذیری از یهود متهم کرده‌اند. آنچه در این پژوهش مطرح است این که تشابه ادعایی یهود و شیعه در عرصه‌ی مهدویت چگونه ارزیابی می‌شود؟ عوامل موثر در مقوله‌ی مهدویت و تشابه‌انگاری یهود و شیعه در این زمینه چه بوده و در نقد و تحلیل آنچه می‌توان گفت؟ انگیزه‌های معاندین شیعه در تشابه‌انگاری یهود و شیعه شامل چه مواردی می‌شود و در تحلیل و ارزیابی آن چگونه می‌توان ارائه نظر نمود؟

بر این مبنا و در راستای پاسخگویی به سؤال مطرح شده، با استفاده از منابع و مستندات موجود در این زمینه، سعی در ارائه پاسخی مناسب و مطلوب بوده تا امکان تبیین ارزیابی تشابه‌انگاری یهود و شیعه نسبت به مقوله‌ی مهدویت در منابع معتبر میسر گردد. به نظر می‌رسد معاندین شیعه در راستای تبیین تشابه‌انگاری یهود و شیعه در مقوله‌ی مهدویت، درصدد ایجاد انحراف در خاستگاه شیعه بوده‌اند. در بررسی و کاوش عوامل کلیدی در مقوله‌ی مهدویت، انگیزه‌های معاندین در تخریب شیعه، سبب طرح اندیشه و انگاره‌های مختلفی شده است. در این راستا آراء و نظرات عالمان شیعه، اهل سنت و سایر ادیان آسمانی نسبت به تشابه‌انگاری یهود و شیعه، مورد بررسی، نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

در بیان پیشینه‌ی پژوهش، برخی مقالات و پایان‌نامه‌ها در این راستا نگاشته شده است: رساله‌ی دکتری تحت عنوان: «تحلیل تاریخی همسان‌پنداری یهود و شیعه»، در این رساله تمامی شبهاتی که ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب و شاگردان شان نسبت به مشابهت شیعه

و یهود القاء نموده‌اند، پراخته شده و تمامی موارد شبهه در قالب احکام، عقاید، آموزه‌ها و شخصیت‌ها دسته‌بندی و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند که مقوله‌ی مهدویت یکی از این موارد است که به صورت کلی بدان پرداخته شده است، ولی بررسی جزئی و همه‌جانبه و تشریحی نشده است که این پژوهش در صدد حل این مشکل القائی از جانب ابن تیمیه است. رساله‌ی دکتری تحت عنوان «بررسی و نقد تفکر ابن تیمیه در تشابه شیعه به یهود در مسئله امامت و تحریف وحی» که در این رساله هم به یکی از موارد القاء شبهه ابن تیمیه در جهت مشابهت‌پنداری شیعه و یهود نسبت به موضوع امامت و تحریف وحی پرداخته شده است و نسبت به مهدویت ورودی نداشته است؛ بنابراین پرداختن به این شبهه در راستای حل مشکل و ارائه جواب، از مواردی است که چه در این رساله و چه در آثار دیگر بدان پرداخته نشده است. البته در بررسی تطبیقی بین ادیان و بین مذاهب می‌توان به این واقعیت اذعان نمود که برخی از این مشابهت‌ها به دلیل اشتراکات زیاد ادیان و مذاهب موجه است و برخی دیگر هم ادعایی بیش نیست، مقوله‌ی مهدویت هم از جمله مواردی است که در سایر ادیان و مذاهب بدان پرداخته شده و در عمل این همسانی را بدان‌ها هم می‌توان نسبت داد و منحصر به شیعه نیست.

در این پژوهش، بعد از بیان مقدمه، به واکاوی در تشابه‌انگاری یهود و شیعه در مقوله‌ی مهدویت و بیان آراء شیعه و یهود و اهل سنت پرداخته و آراء متعدد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و نیز در ادامه به واکاوی مهدویت و انگیزه‌های معاندین در تفرقه افکنی بین شیعه و اهل سنت و تخریب شیعه به جهت طرح تشابه‌انگاری یهود و شیعه پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی

مهدویت

لفظ «مهدویت» مصدر جعلی کلمه «مهدی» به شمار آمده و به مفهوم مهدی بودن است و بر اثر استعمال فراوان به صورت مصدر ساختگی «مهدویت» به کار رفته است؛ مانند واژگان بشریت، جمهوریت، جاهلیت و ادعای مهدویت که به معنای ادعای مهدی بودن است و بدین صورت در مصادر جعلی به کار رفته است. خلیل بن عبدالقادر حنفی، یکی از آثار فقهی خویش را با عنوان «الحکم المهدویة» نام‌گذاری نموده و این لفظ را در قالب مصدر جعلی به کار برده

است (نحلاوی حنفی، ۲۰۲۱م: ج ۱، ۱۲۴).

همسان‌پنداری

همسان در لغت به معنی مانند هم، شبیه یکدیگر و مترادف با شبیه، برابر، مساوی و متشابه می‌باشد (دهخدا، ذیل کلمه‌ی همسان) اما منظور از همسان‌پنداری این است که عده‌ای دو چیز را مشابه یا مساوی هم می‌پندارند و در مورد یهود و تشیع هم عده‌ای بر این باورند که این دو همسان‌اند و منظور از همسان‌پنداری در پژوهش، تشابه‌انگاری در مبانی و آموزه‌های اعتقادی و احکام عملی است. در واقع فرق است بین همسانی و همسان‌پنداری، در همسانی فقط اشاره به مشابهت دو چیز دارد ولی در همسان‌پنداری، اتهام مشابهت و همسانی بین دو چیز وارد می‌شود و چه بسا بین آن دو این مشابهت مورد نظر نبوده باشد.

البته این نکته حائز اهمیت است که همسان‌پنداری یهود و شیعه یکی از ترفندهای جدی است که از جانب معاندین شیعه، خاصه ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب و شاگردان و مریدان آنان مطرح گردیده است و در زمینه‌های احکام، عقاید، آموزه‌ها و شخصیت‌ها، بیش از پنجاه مورد همسانی بیان شده است که در زمینه‌ی اعتقادی، مقوله‌ی مهدویت یکی از این همسانی‌هاست که طرح و از جانب موافقین و مخالفین مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. در همین راستا، در زمینه مقوله‌ی مهدویت، به موضوعات مهمی از جمله غیبت منجی، انتظار ظهور، موعودگرایی و رجعت پرداخته شده است.

غیبت منجی

یکی از موارد همسان‌پنداری یهود و شیعه، در مقوله‌ی مهدویت غیبت منجی است. این موضوع هم در یهود، هم در تشیع و حتی در مسیحیت وجود دارد، ولی تفاوت‌هایی با هم دارند.^۱ در روایات شیعه به حتمی بودن غیبت تأکیده شده و به دو مرحله‌ای بودن غیبت، که

۱. در این زمینه ر.ک. به: «امام صادق علیه السلام به امتحان مردم در زمان غیبت آن نور الهی تصریح فرمود. سپس فرمود: به سبب طول غیبت، در دل‌های ایشان شک عارض می‌شود، بسیاری از دین، خارج می‌شوند و ربقة اسلام را از گردن خود خلع می‌نمایند، حال آن‌که خدا فرموده: ﴿وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ﴾ (اسراء: ۱۳)؛ ربقة ولایت را به گردن هرکس لازم کرده‌ایم. چون آن را دیدم، بر من رقت عارض شد. راوی گوید: عرض کردیم: یا بن رسول الله! ما را به ذکر بعضی چیزها که در این باب دانسته‌ای، اکرام کن! فرمود: خدای تعالی در خصوص قائم ما سه چیز خواهد کرد که آنها را در خصوص سه نفر از انبیا کرده است؛ مولد او را مانند مولد موسی علیه السلام، غیبت او را مانند غیبت عیسی و طول عمرش را مانند طول عمر نوح علیه السلام مقدر فرمود. بعد از آن، طول عمر خضر علیه السلام را دلیل بر طول عمر او قرار

یکی طولانی‌تر از دیگری باشد، توجه داده شده است (مقدسی شافعی سلمی، ۱۴۲۸ق: ۱۷۹؛ شوشتری، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، ۱۸۰). درباره‌ی دلیل غیبت منجی نیز، ترس از شهادت و کشته شدن آن حضرت (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۱، ۳۲۰) ابتلاء و امتحان مومنان (اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج ۲، ۴۱۰) غیبتش نظیر غیبت یوسف و رجعتش نظیر رجعت عیسی و در مدتش (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۴) بسته بودن به اراده الهی بیان شده است (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق: ح ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸) از منظر عالمان اهل سنت نیز، به دلیل وفور روایات فراوان از صحابه و تابعین درباره‌ی مهدویت، سبب علم قطعی آنان گردیده است؛ بنابراین باور به ظهور مهدی نیز در منابع و کتب اهل سنت ثابت شده است. چنان که شیخ العباد استاد دانشگاه مدینه هم در این راستا سخنرانی و مقاله نگاشته است (شیخ العباد، ۱۴۰۲ق: ۵-۹۴). این باور عمومی به غیبت منجی، باعث همسان‌پنداری یهود و شیعه درباره‌ی مقوله‌ی مهدویت شده است. حتی به باور به برخی از محققان، شیعیان درباره‌ی اعتقاد به غیبت منجی متأثر از یهود است. چنان که سائح علی حسین نویسنده لیبیایی می‌گوید:

عقیده و نظریه‌ی غیبت عقیده‌ای است مشترک میان یهود و نصارا، و تأثیرپذیری فکر شیعی از این دو مصدر بعید نیست (السائح اللیبی، ۱۹۹۳م: ۱۸۴-۱۸۶).

این در حالی است که درباره‌ی غیبت منجی روایت‌های فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت به نقل از پیامبر ﷺ، اصحاب و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام نقل شده است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بارها فرموده است: «دنیا به آخر نخواهد رسید، مگر آن که مهدی با مردی همنام من از خاندان من خروج کند و زمین را پر از عدل سازد» (موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۱۰۴-۱۷۹). شیخ

داد. عرض کردیم: این امور را واضح فرمائید! فرمود: فرعون چون مطلع شد که سلطنتش به دست مردی زائل خواهد گردید، به احضار کاهنان امر کرد، نام و نسب موسی علیه‌السلام را به او خبر دادند و گفتند از بنی اسرائیل است. سپس به شقّ بطون زنان اسرائیلیان امر نمود، تا آن که بیش از بیست و کمتر از سی هزار زن را دریدند ولی کشتن موسی علیه‌السلام برایش میسر نگشت، زیرا خداوند او را حفظ نمود و چون بنی امیه و بنی عباس هم دانستند زوال ایشان به دست قائم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ما می‌باشد، با ما در افتادند و برای قطع نسل آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و قتل قائم شمشیرها کشیدند و خدا ایا دارد از این که امر خود را به اتمام نرساند، هر چند ظالمان و مشرکان کاره باشند. در خصوص عیسی علیه‌السلام، یهود اتفاق کردند که او کشته شد ولی خدا ایشان را تکذیب کرد و فرمود: ﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾ (نساء: ۱۵۷)؛ او را نکشتند و بر دار نزدند، بلکه بر ایشان مشتبه گردید. غیبت قائم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ما نیز چنین باشد، زیرا این امت او را انکار کنند و طایفه‌ای گویند هنوز متولد نشده، بعضی گویند متولد شد و وفات کرد. پاره‌ای گویند امام یازدهم اولاد نداشت، برخی گویند ائمه علیهم‌السلام، تا به سیزده و بیشتر از آن می‌رسد و عده‌ای گویند روح قائم در هیکل دیگری حلول کند و سخن گویند (نهایندی، ۱۳۶۹ق: ج ۷، ۲۱).

صدوق بخشی از کتاب *کمال‌الدین* را به غیبت منجی اختصاص داده است (صادقی، ۱۳۸۵: ۶۷؛ نعیم بن حماد، ۱۴۲۳ق: ۴۳۴؛ خصیبی، ۱۳۷۷: ۳۶).

تردیدی نیست که مقوله‌ی مهدویت از موضوعات کلیدی و بنیادی که در همه‌ی ادیان آسمانی و حتی سایر مذاهب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، ولی در طول اعصار و قرون، با افکار انحرافی برخی از افراد سودجو و منفعت طلب که منافع شخصی خویش را بر اهداف عالی‌ی ادیان و مذاهب الهی ترجیح می‌دهند، ممزوج گشته و از مسیر اصلی خویش خارج می‌گردد و چه بسا آلت دست معاندین اسلام و مهدویت قرار گرفته و مورد بهره‌برداری آنان جهت نیل اهداف و آمال دنیوی خویش می‌گردد.

انتظار ظهور

یکی از موارد تشابه و همسان‌پنداری یهود و شیعه در مقوله‌ی مهدویت، انتظار ظهور مصلح حقیقی است که هم در باور یهودیان و هم تشیع مطرح است. اما فهم واقعیت ظهور و انتظار، موضوع دیگری است. انتظار از مقوله‌هایی است که در ادیان آسمانی به ویژه در یهودیت و مسیحیت وجود داشته و هم‌چنان جریان دارد به طوری که یهودیان، به آمدن مسیحا و رهایی آنان از ذلت و خواری امیدوار بوده‌اند و در همین راستا اقدام برای رهایی فلسطین نموده تا بدین طریق حقارت طولانی یهود را برچینند هرچند گروهی دیگر از یهود با اندیشه تشکیل دولت صهیونیستی مخالف بوده و آن را با آرمان مسیحایی در تناقض می‌دیدند. همچنین در خاتمه ادعیه مراسم سالگرد بنیان‌گذاری رژیم غاصب اسرائیل، پس از دمیدن در شیپور عبادت، چنین دعا می‌کنند:

اراده‌ی خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد (جولیوس کریستون، ۱۳۷۷: ۱۳).

در تعالیم تلمود راجع به نشانه‌های ظهور مصلح یهود، چنین آمده است که بر هر یهودی واجب است که کوشش کند تا حکومت دنیا را به دست بگیرد و بقیه‌ی امم، با کمال خواری و ذلت قرار بگیرند و قبل از سلطه‌ی نهایی، باید جنگی به پا شود و دو سوم عالم از بین برود و یهود، هفت سال باقی می‌ماند و سلاح‌هایی را که به دست آورده‌اند، می‌سوزاند و در این هنگام، دندان‌های دشمنان بنی اسرائیل به اندازه‌ی ۲۲ ذراع شده و از دهن‌ها بیرون آمده است! زندگی یهود در این دوره، در جنگ با سایر امم است و به زودی مسیح حقیقی می‌آید و شخص

منتظر، به پیروزی می‌رسد و امت یهود، به اوج سرمایه‌داری و ثروت می‌رسد؛ چون که مالک تمام املاک دنیا می‌شود؛ به طوری که برای حمل کلیدهای گنج‌های آنان، حداقل سیصد الاغ لازم است (باقر شریف قرشی، ۱۳۷۶: ۲۴۳).

از این رو، برخی باور دارند که شیعه در مسئله‌ی انتظار وامدار یهود است و تحت تأثیر اندیشه‌ی یهود قرار دارد. چنان که یکی از محققان از پرفسور روحی نویسنده‌ی مقاله «مهدی» نقل می‌کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می‌باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی‌ها و هندی‌هاست (فقیه ایمانی، ۱۴۱۸ق: ۲۰). این نوع اندیشه باعث همسان‌پنداری یهود و شیعه در مقوله‌ی مهدویت گردیده و شیعه را در مورد انتظار ظهور مهدی متأثر از اندیشه یهود دانسته‌اند. بدین جهت، در برخی تحقیقات مشاهده می‌شود:

احادیث را هرگونه تفسیر کنند، دلیلی قانع‌کننده در دست نیست که تصور کنیم، پیغمبر اسلام ظهور یک مهدی را، برای احیاء، تحقق، اکمال و تقویت اسلام، لازم و حتمی شمرده باشد، لیکن درگیری آتش جنگ داخلی در میان یک نسل واحد، پس از وفات پیغمبر، و درهمی و آشفتگی جهان اسلام که بر اثر اختلافات آنان با یکدیگر روی داد، موجب اقتباس فکر ظهور منجی از یهود یا مسیحیان گردید که به ترتیب در انتظار ظهور و بازگشت مسیح به سر می‌برند (صاحب الزمانی، ۱۳۴۵: ۲۰۱؛ مردانی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

این نشان می‌دهد که تشابه‌انگاری یهود و شیعه در مقوله‌ی مهدویت نزد برخی محققان مطرح بوده است و شیعه را متأثر از یهود می‌دانند. چنان که احمد امین مصری (۱۸۸۶-۱۹۵۴) از عرب‌گرایان در *ضحی‌الاسلام* چنین نگاشته است که یهود چنین می‌گویند که جهاد در راه خدا محقق نمی‌شود مگر مسیح منتظر ظهور کند و منادی از آسمان ندا دهد؛ و همچنین شیعه می‌گویند که جهاد در راه خدا محقق نمی‌شود مگر این که حضرت مهدی ظهور نماید (امین مصری، ۱۴۲۷ق: ج ۱، ۲۵۶).

این در حالی است که روایات فراوان از شخص نبی مکرم اسلام درباره‌ی انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وارد شده است (ابن بابویه، بی تا: ۲۹؛ همو، ۱۳۸۰: ۶؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۶) که دلیل روشن بر عدم ارتباط آن با اندیشه‌ی یهود درباره‌ی انتظار ظهور و مقوله‌ی مهدویت است.

شیعیان بر اساس روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نقل شده است،

معتقدند که آخرین و دوازدهمین جانشین پیامبر و امام معصوم، از نسل علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و از سلاله‌ی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است و او روزی ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پُر خواهد فرمود. به عنوان نمونه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

اگر از دنیا جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا فرزندم مهدی که اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است ظهور کند و عدالت را بگستراند بعد از آن که زمین را ظلم و جور فراگیرد (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۳).

پُر واضح است که انتظار ظهور یکی از مفاهیم کلیدی، مقوله‌های اعتقادی و پردامنه در ادیان الهی و مذاهب اسلامی خاصه شیعه است و در این زمینه علاوه بر کتب آسمانی، در مبانی روایی هم بدان پرداخته شده است، چنان‌که به مصادیقی از آن اشاره شد، ولی دلیل بر همسانی و مشابهت مذهب شیعه با دین یهود نمی‌شود؛ چرا که غالب ادیان الهی و مذاهب اسلامی در مسائل بنیادی و اعتقادی، نکات اشتراکی دارند و این منحصر به یهود و شیعه نیست، بلکه در سایر ادیان آسمانی و مذاهب نیز این وجوه مشترک را می‌توان یافت.

موعودگرایی

یکی دیگر از موارد همسان‌پنداری تشیع و یهود در مقوله‌ی مهدویت، موعودگرایی است. با توجه به این‌که مهدویت به معنای قائل شدن به ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ معنا شده، عده‌ای بر این عقیده‌اند که ریشه‌ای یهودی دارد و از عبدالله بن سبأ می‌باشد و بر این اساس برخی از مستشرقان گفته‌اند که عقاید شیعه به یهود نزدیکتر است تا به ایرانی‌ها (ولهاوزن، ۱۹۷۶م: ۱۷۰؛ صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۷۶).

از آن جایی که یهود اعتقاد دارد ماشیح از بنی‌اسرائیل است، پس موعود یهود همان منجی شیعه است، علیرغم این‌که مادر مهدی موعود نیز نوه‌ی قیصر روم و مادرش از اولاد شمعون است، پس از این جهت هم بر موعود شیعه مطابق است. از طرف دیگر از برخی از مطالب بیان شده از منابع یهود، همان موعود شیعه فهمیده می‌شود که از آن جمله مزمور ۲۷ از کتاب زبور می‌باشد که مراد از آنها پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌تواند باشد؛ چرا که از کلام حضرت داوود و با بیان ایشان بوده و بی‌تردید نمی‌تواند بر خود حضرت داوود و سلیمان دلالت داشته باشد، بلکه مراد پیغمبری است که در آینده خواهد آمد، دارای کتاب و شریعت است و فرزندش عدالت گستر بوده و جهانیان در انتظارش خواهند بود. به نظر می‌رسد چون به شکل

دعا بود، مراد همان موعود شیعه بوده باشد. همچنین در سفر پیدایش به اجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در رابطه با حضرت اسماعیل علیه السلام پرداخته و برکت و کثرت در اولاد وی و پدید آمدن دوازده جانشین از آنان را یادآور می‌شود (یدالله‌پور، خرمی و حسینی، ۱۳۹۳: ۳۵-۶۶). بنابراین، یکی از عوامل همسان‌پنداری شیعه و یهود در مقوله‌ی مهدویت، موعودگرایی است. این عقیده مشترک میان شیعه و یهود باعث شده که برخی موعودگرایی را در شیعه، متأثر از اندیشه یهود بدانند. چنان‌که یکی از محققان در این زمینه گفته است:

و با این که جمعی از پژوهشگران شرقی و اسلامی که تحت تأثیر افکار غربیها قرار دارند... اصرار دارند که ایمان به وجود «مهدی» و مصلح جهانی را يك فکر وارداتی تلقی کنند که از عقاید یهود و مسیحیان گرفته شده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۹۱).

این نشان می‌دهد که برخی موعودگرایی را فکر وارداتی دانسته و شیعه را متأثر از یهود قلمداد کرده است. به همین جهت، یکی از مستشرقان در این زمینه می‌گوید:

اندیشه‌ی مهدی در اصل به عناصر یهودی و مسیحی برمی‌گردد (گلدزیهر، ۱۹۵۹م: ۹۳).

دکتر عبدالرحمن بدوی می‌گوید:

کعب الاحبار کسی بود که عقیده به مهدی منتظر را در بین مسلمین منتشر ساخت... (بدوی، ۱۹۷۱م: ج ۲، ۷۶-۷۷).

در نگاه شیعه، موعود نجات‌دهنده‌ی خلیفه و حجت الهی است و هرگز زمین خالی از حجت نخواهد بود. پس وجود خارجی داشته، متولد شده، بیش از ده قرن در قید حیات است و منتظر ظهور به اذن الهی است. منجی موعود شیعه در دوران غیبت هم در کنار مردم است و به آنها کمک می‌کند و با آنان همدردی می‌کند، فقط به تقدیر الهی تا وقت ظهور باید ناشناخته باشد. این وجه تمایز موعود شیعه با یهود است. همان طوری که موعود مسیحیان نیز زنده است و به امر الهی از آسمان‌ها به زمین برخواهد گشت (جوانشیر، ۱۳۹۱: ۲۲۴؛ شفیع‌ی سروستانی، ۱۳۸۷: ۸۷) ولی در منظر یهود، موعود هنوز متولد نشده است، ممکن است در هر دوره فردی چنین لیاقتی را داشته باشد و منحصر به فرد خاص نیست. ولی طبق بیان تلمود قبل از غروب خورشید، خورشید دیگری طلوع می‌کند. یعنی قبل از این که آن فرد از دنیا برود، فرد شایسته‌ی دیگری متولد می‌شود و این برخلاف دیدگاه شیعه و مسیحیت است (شفیع‌ی سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۲).

در رد ادعای طرفداران همسان‌پنداری یهود و شیعه به برخی از آیات قرآنی نیز که در تفاسیر

روایی آنها به مهدویت تفسیر شده‌اند، اشاره می‌شود که از جمله‌ی آنها آیه‌ی ۲۱۰ سوره‌ی بقره است که به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده و عیاشی در تفسیر خود روایت را به دو طریق از امام باقر علیه السلام آورده است. چنان‌که احادیثی فراوان از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موعودگرایی نقل شده است که ادعای تشابه شیعه و یهود را در مقوله‌ی مهدویت رد می‌کند؛ از باب نموده در کتاب *المصنف* ده حدیث درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است (صنعانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱، ۳۷۱-۳۷۳، احادیث ۲۵۷۶۹-۲۵۷۷۹)؛ کتاب *الفتن* در بخش پنجم به احادیث مهدویت پرداخته است (ابن حماد مروزی، ۱۴۱۲ق) کتاب *المصنف* بخشی را به *الفتن* اختصاص داده که مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موعودگرایی است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق: ج ۱۱، ۵۱۲-۵۱۴، احادیث ۳۷۶۳۷-۳۷۶۵۳). احمدبن حنبل در کتاب *مسند* احادیث متعددی را درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موعودگرایی ذکر کرده است که به ضمیمه‌ی کتاب *البیان فی الاخبار صاحب الزمان* و در مجموعه‌ای با نام *احادیث المهدی من مسند احمدبن حنبل* به چاپ رسیده است.

اعتقاد به انتظار ظهور نیز از مقوله‌هایی است که در غالب پیروان ادیان الهی و مذاهب اسلامی بدان باورمند هستند ولی نسبت به آگاهی از چگونگی انتظار، نیاز به رجوع به منابع معتبر و تحریف نیافته ادیان و مذاهب است؛ زیرا که متأسفانه برخی از این اعتقادات خاصه انتظار ظهور در گذر تاریخ دستخوش تحریفات برخی از سران و تابعین ادیان و مذاهب گردیده و در راستای نیل به منافع دنیوی آنان تغییر و تحریف یافته است. مقوله‌ی انتظار ظهور نیز از این قاعده مستثنی نبوده و چه بسا تحریفاتی در منابع دست اول در مسیر تاریخ گردیده است؛ چرا که اگر چنین جعل و تحریفاتی صورت نمی‌گرفت، سخن در مقوله‌ی انتظار از منظر ادیان و مذاهب نیز یکی بوده و نیاز به پرداختن به همسان‌پنداری و بیان توجیه تشابه‌انگاری نبود؛ در هر صورت طرح مقوله مشابهت و همسانی در همه‌ی عرصه‌ها خاصه انتظار ظهور، لغو و بیهوده بوده و جز پندار، چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

رجعت

یکی از مواردی که در بحث همسان‌پنداری یهود و شیعه در آموزه‌های دینی مطرح گردیده است، رجعت است. در همین راستا، واکاوی نگرش علمای شیعه و اهل سنت هم‌گویای این واقعیت است که دارای اختلاف نظرهایی هستند و نیز در سایر ادیان هم به این مقوله پرداخته

شده است.

در تعریف اصطلاحی چنین بیان شده است که رجعت، بازگشت تعدادی از دنیارفتگان به دنیا، در زمان ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به همان حالت که در دنیا بوده‌اند (مفید، ۱۴۱۴ق: ۷۷؛ ابوالصلاح حلبی، بی تا: ۴۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۷). برخی اهل لغت از اهل سنت هم به گروهی که به بازگشت به دنیا (بعد از مرگ) قبل از قیامت معتقدند، اطلاق نموده‌اند (فراهیدی ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۲۲۵). اهل سنت با نسبت دادن رجعت به اعراب جاهلی و گروهی از رافضیان، منکر آن شده و در مجمع البحرین چنین گزارش شده است که جمهور، عقیده به رجعت را انکار کرده‌اند تا جایی که ابن اثیر در النهایة ابراز داشته است که عقیده بدان، عقیده برخی از اعراب دوران جاهلی، گروهی از فرق مسلمانان، اهل بدعت و هواهای نفسانی از جمله رافضیان است و می‌گویند:

مرده به دنیا مراجعت می‌کند و مثل گذشته زنده شده و همچون اهل دنیا می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۳۳۴).

شیخ مفید نیز در بیان نظر غیرشیعه بیان داشته که تمام معتزله، خوارج، مرجئه، زیدیه و اهل حدیث، منکر اعتقاد امامیه هستند (مفید، ۱۴۱۴ق: ۴۶).

برخی منکرین رجعت، اعتقاد به «رجعت» در شیعه را متأثر از «عبدالله بن سبأ» یهودی الاصل دانسته و سبب ترویج آن شده‌اند (طبری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۳۴۰). در این میان یکی از نویسندگان معروف عرب مصری از اهل سنت، احمد امین مصری (۱۸۸۶-۱۹۵۴) است که وی در زمینه رجعت متأثر از گزارش‌های تاریخی است که در نهایت به طبری (م ۳۱۰ق) منتهی می‌شود. وی در کتاب فجر الاسلام و در فصل مربوط به شیعه، آموزه‌ی دینی رجعت را مطرح نموده و می‌نویسد که عقیده به رجعت را ابن سبأ از کیش یهود آورده است؛ زیرا ایشان معتقدند الیاس پیغمبر به آسمان عروج کرده و باز خواهد گشت، این عقیده، شیعیان را به عقیده‌ی پنهان شدن ائمه و عقیده به مهدی منتظر کشانیده است (امین مصری، ۱۹۷۵م: ۲۷۰).^۱ وی در ادامه در زمینه‌ی رجعت و همسانی شیعه به یهود و متأثر شدن شیعه از یهود، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که به راستی تشیع پناهگاهی بوده که هرکس خواهان ویران کردن اسلام بوده به سبب

۱. در نامه‌ای که مؤلف به عالم مصری شیخ محمود ابوریه درباره عقیده شیعه به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته قسمتی از دلیل بر این عقیده نگاشته شده است. قسمتی از این نامه در صفحه ۱۹۲ از کتاب «اضواء علی السنة المحمدية» تألیف عالم نامبرده چاپ صور لبنان سال ۱۳۸۳ ه. ق. ثبت شده است.

دشمنی و حقدی که داشته به آن پناه می‌برده است. هر دسته‌ای که خواسته‌اند تبلیغات دینی نیاکان خود را از یهودی و مسیحی و زرتشتی، در دین اسلام وارد کنند، دوستی اهل بیت پیغمبر را پرده‌ای قرار داده، در پس آن هرچه خواسته‌اند انجام داده‌اند، و شیعیان عقیده به رجعت را از یهود آموخته‌اند (همان: ۲۷۶) و نیز در جایی دیگر تأثیرپذیری تشیع از یهود را به ولهاوزن نسبت داده و می‌نویسد که ولهاوزن را عقیده آن است که تشیع از کیش یهود بیشتر متأثر است تا از آئین فارس، و دلیل او این است که مؤسس تشیع، عبدالله بن سبأ یهودی بوده است (همان: ۲۷۷).

به‌طور کلی عصاره‌ی سخن احمد امین مصری (۱۸۸۶-۱۹۵۴) در زمینه‌ی آموزه‌ی رجعت این چنین بوده است که شیعیان عقیده به رجعت و امامت را از عبدالله بن سبأ آموخته‌اند و عقیده ایشان به عصمت ائمه و غیبت مهدی موعود نیز از این جا تراوش نموده است. و این که ابوذر دعوت به مرام اشتراکی می‌نموده، و این تبلیغات و تعلیمات را از ابن سبأ آموخته است. این سبأ نیز عقیده به رجعت را از دین یهود گرفته، و مرام اشتراکی را از کیش مزدک به دست آورده است. و عبدالله بن سبأ همه این کارها را به نام مطالبه‌ی حق علی انجام داده، شیعه‌گری را در اسلام ایجاد کرده است. از این جا نتیجه می‌گیرد که حب اهل بیت وسیله‌ی دست دشمنان اسلام گردیده و در پناه شیعه‌گری تعلیمات یهود و غیره در اسلام وارد شده است (همان: ۲۶۶-۲۷۸).

همچنین احمد امین مصری (۱۸۸۶-۱۹۵۴) در تألیفی دیگرش تحت عنوان *ضحی الاسلام* در رابطه با رجعتی که شیعیان باور دارند، چنین نگاشته است که قول به رجعت با عقیده به مهدویت ارتباط دارد و اغلب امامیه بدان معتقدند و بر این باورند که رسول خدا ﷺ و علی و حسن و حسین و سایر ائمه علیهم‌السلام و دشمنان شان همچون ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه و یزید بعد از ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به دنیا رجعت می‌کنند، سپس کسانی که در حقوق ائمه یا قتل آنان نقش داشتند، عذاب می‌شوند، پس از آن همه می‌میرند، دوباره روز قیامت زنده می‌شوند. حتی شریف رضی گفته است که ابوبکر و عمر در زمان حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر درختی آویخته می‌شوند (همان: ج ۳، ۱۷۶). البته برخلاف انکار رجعت از جانب اکثریت عالمان اهل سنت، برخی نیز در مقابل ادله فراوان مبنی بر وجود رجعت، اصل آن را پذیرا شده و نسبت به جزئیات منکر شده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۳۷).

عالمان شیعه نیز برای اثبات «رجعت» به آیات متعدد قرآنی از جمله: زنده شدن گروهی از

قوم حضرت موسی علیه السلام (بقره: ۵۵-۵۶)، زنده شدن مقتول بنی اسرائیل (بقره: ۷۲-۷۳)، زنده شده هزاران نفری که از ترس مرگ از خانه‌ی خود خارج شدند (بقره: ۲۴۳)، زنده شدن مردگان به وسیله حضرت عیسی علیه السلام (آل عمران: ۴۳) و زنده شدن عزیز نبی پس از سپری شدن صد سال از مرگ خویش (بقره: ۲۵۹)، محشور شدن فوجی از تکذیب‌کنندگان (نمل: ۸۳)، حشر همه خلایق (کهف: ۴۷)، علامه طباطبایی هم در رابطه با تفسیر آیه‌ی ۲۱۴ سوره‌ی بقره بیان می‌فرماید که:

این آیه می‌فهماند آنچه در امت‌های گذشته رخ داده در این امت نیز رخ خواهد داد و یکی از آن وقایع، مسئله رجعت و زنده شدن مردگان است که در زنان ابراهیم، موسی، عیسی، عزیز، ارمیا و غیر ایشان اتفاق افتاده، پس باید در این امت نیز اتفاق بیافتد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۱۵۸).

همچنین برخی دیگر از آیات قرآنی که در منابع تفسیری دلالت بر رجعت آنها تبیین شده است، مثل آیه‌ی ۱۵۴ سوره‌ی آل عمران، چنین آمده است که می‌گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی‌شدیم!» بگو: «اگر هم در خانه‌های خود بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه‌های خود، بیرون می‌آمدند». این آیه یکی از دلایل روشن بر امکان «رجعت» است که یکی از اعتقادات شیعه می‌باشد و طبق روایات در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه گروه‌هایی از مردم که مرده بودند بار دیگر زنده خواهند شد. البته این آیه مربوط به رجعت نیست ولی به روشنی از امکان رجعت و زنده شدن مردگان در این دنیا خبر می‌دهد (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۲، ۲۶۹). نیز در آیه‌ی ۲۵۹ سوره‌ی بقره، که داستان آن برای مسئله «رجعت» که یکی از باورهای شیعه است استدلال شده است این آیه به روشنی امکان بازگشت زندگی را به افرادی که سالیان سال است که مرده‌اند، اثبات می‌کند. بنابراین، آیه‌ی شریفه دلیل واضحی برای امکان رجعت است هر چند که وقوع آن را می‌توان با دلیل‌های دیگری اثبات کرد (همان: ۱۰) از امام صادق علیه السلام نیز در رابطه با رجعت روایت شده است که فرمود:

از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد و متعه ما را حلال نداند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۴: ۴۳۴).

بررسی‌های صورت گرفته در رابطه با رجعت، گویای این واقعیت است که رجعت در ادیان آسمانی و مذاهب اسلامی خاصه شیعه، کاملاً پذیرفته شده است و این موضوع هم منحصر به

شیعه و یهود نبوده که ابن تیمیه یا محمدبن عبدالوهاب و یا احمد امین مصری، آن را دلیل بر همسانی و مشابهت شیعه و یهود بدانند، بلکه این مقوله پذیرفته شده در ادیان الهی و غالب فرق اسلامی خاصه شیعه بوده است و ادعای آنان در بیان مشابهت و همسانی شیعه و یهود با استناد به رجعت، امری مردود و غیرمقبول است.

نتیجه‌گیری

براساس سیر تحقیق در این پژوهش، مهدویت، از آموزه‌های مسلم و اعتقادی شیعه بوده و در این زمینه متاثر از هیچ دین و آئینی نبوده، بلکه آن را از ثقلین یعنی قرآن و عترت الهام گرفته است و جزء باورهای بنیادی شیعه می‌باشد، چنان‌که در سایر ادیان الهی همچون یهود و مسیحیت، مقوله‌ی مهدویت مطرح گردیده و دیدگاه‌هایی از جانب عالمان مسیحی و یهودی در این عرصه ابراز گردیده است.

واکاو‌ی‌هایی که درباره‌ی تشابه‌انگاری شیعه و یهود، انجام یافته است گویای این واقعیت است که مقوله‌ی مهدویت از جمله موضوعات کلیدی و آموزه‌های اعتقادی است که الهام گرفته شده از قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. در این زمینه آراء و انگاره‌های متعددی مطرح گردیده است. هم‌چنان‌که به بیانی دیگر در ادیان آسمانی از جمله یهود و مسیحیت نیز به این آموزه توجه داده شده و جزء اعتقادات پیروان ادیان الهی مطرح گردیده است.

از جمله یافته‌ها و برونداد مهم این پژوهش، این است که معاندین شیعه از جمله ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب سعی در طرح تشابه‌انگاری یهود و شیعه داشته و در این راستا نسبت به خاستگاه شیعه ایجاد تردید نموده و سعی در ایجاد تفرقه بین شیعه و سایر فرق اسلامی داشته‌اند و در مقوله‌ی مهدویت، ادعای مشابهت بین شیعه و یهود را دارند در حالی که همین مقوله‌ی بین‌المذاهبی و بین‌الادیانی بوده و در میان اهل سنت و حتی در ادیان آسمانی هم مطرح گردیده است و این به دلیل اشتراکات در مبانی اصولی ادیان و مذاهب بوده و منحصر به شیعه نبوده است و از جهت دیگر هم برخی از ادعاهای آنان، افترائی بیش نبوده و در عمل واقعیت نداشته است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی شیبّه عبسی، ابوبکر بن ابی شیبّه (۱۴۰۹ق)، *الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار*،

- تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض: مكتبة الرشد، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: دارالکتب الإسلامية، دوم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *صفات الشيعة*، تهران: بی‌نا، سوم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (بی‌تا)، *الخصال*، تهران: فهری، اول.
۵. ابن تیمیة الحرانی الحنبلی دمشقی، تقی‌الدین أبو‌العباس أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ق)، *منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشيعة و القدریة*، تحقیق: محمد رشاد سالم. ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
۶. ابن حماد مروزی، أبو‌عبدالله نعیم (۱۴۱۲ق)، *کتاب الفتن*، تحقیق، سمیر امین الزهیری، قاهره: مكتبة التوحيد، اول.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل‌أبی‌طالب*، قم: بی‌نا، اول.
۸. ابن عبد ربه، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *العقد الفريد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (بی‌تا)، *الكافی فی الفقه*، کوش: رضا استادی، اصفهان: مكتبة الامام اميرالمومنين علی‌علیه‌السلام العامه.
۱۰. اربلی، بهاء‌الدین (۱۳۸۱ق)، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی‌هاشمی.
۱۱. اصفهانی، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، قم: مؤسسه الإمام المهدي، پنجم.
۱۲. امین مصری، احمد (۱۴۲۷ق)، *ضحی‌الاسلام*، بیروت: المكتبة العصرية، اول.
۱۳. امین مصری، احمد (۱۹۷۵م)، *فجر الإسلام*، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *أعیان الشيعة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، اول.
۱۵. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، کوش: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. بدوی، عبدالرحمان (۱۹۷۱م)، *مذاهب الاسلامیین*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۷. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، *تفسیر کوثر*، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، اول.
۱۸. جوانشیر، موسی (۱۳۹۱)، *موعود در آئین اسلام و مسیحیت*، قم: بنیاد فرهنگي حضرت مهدي،

- اول.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت.
 ۲۰. حمّامی لاله زار، یونس (بی تا)، «ماشیح منجی موعود یهود»، *مجله معارف*، شماره ۵۰.
 ۲۱. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۳۷۷ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: مؤسسه البلاغ، اول.
 ۲۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۲۳. السائح الیبی، علی حسین (۱۹۹۳م)، «تراثنا و موازین النقد»، *کلیة الدعوة الاسلامیة فی لیبیا*، شماره ۱۰.
 ۲۴. شریف قرشی، باقر (۱۳۷۶)، *زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی*، ترجمه: ابوالفضل اسلامی. قم: فقاقت.
 ۲۵. شفیع سروسستانی، ابراهیم (۱۳۸۷)، *انتظار بایدها و نیایدها*، قم: انتشارات موعود عصر، اول.
 ۲۶. شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق)، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، اول.
 ۲۷. شیخ العباد، عبدالمحسن (۱۴۰۲ق)، *عقیده اهل السنة و الاثر فی المهدی المنتظر و الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی*، مدینه: مطابع الرشید، اول.
 ۲۸. صاحب الزّمانی، ناصرالدین (۱۳۴۵)، *دیباچه ای بر رهبری*، تهران: معاصر.
 ۲۹. صادقی، مصطفی (۱۳۸۵)، *تحلیل تاریخی نشانه های ظهور*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، دوم.
 ۳۰. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۷۸)، *غالیان (کاوشی در جریان ها و برآیندها)*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۳۱. صنعانی، أبوبکر عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳ق)، *مصنف*، تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت: المکتب الإسلامی، سوم.
 ۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، کوش: محمد جواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو.
 ۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الرسل و الملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
 ۳۵. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، کوش: حسینی اشکوری، تهران:

- مرتضوی.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۳۷. فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۱۸ق)، *اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن*، قم: مؤلف، دوم.
۳۸. قفاری، ناصر (۱۴۱۵ق)، *اصول مذهب الشيعة الامامية الاثنى عشرية عرض و نقد*، ریاض: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية.
۳۹. کرینستون، جولیوس (۱۳۷۷)، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۴۰. مردانی، خیرالله (۱۳۸۵)، *پرتوی از سیمای مهدویت در قرآن و حدیث*، قم: راه قرآن.
۴۱. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۴ق)، *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، بیروت: دارالمفید.
۴۲. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق)، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر*، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم.
۴۳. مؤسسه معارف اسلامی (۱۴۲۸ق)، *معجم احادیث الامام المهدی*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، دوم.
۴۴. نحلاوی حنفی، خلیل بن عبدالقادر (۲۰۲۱م)، *الدرر المباحة فی الحظر و الإباحة*، قاهره: مطبعة الاعتدال.
۴۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تهران: مکتبه الصدوق، اول.
۴۶. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۶۹ق)، *العبری الحسان*، تحقیق: حسین احمدی قمی و صادق برزگر، قم: مسجد مقدس جمکران.
۴۷. ولهاوزن، یولیوس (۱۹۷۶م)، *الاحزاب المعارضة السياسية الدينية فی صدر الاسلام، الخوارج و الشيعة*، کویت: وكالة المطبوعات، دوم.
۴۸. یدالله پور، محمد هادی؛ خرمی، مرتضی؛ حسینی، سیده فاطمه (۱۳۹۳)، «موعود گرایی در قرآن و عهدین»، *مجله سراج منیر*، دوره ۵، شماره ۱۴.